

ضد ارزش در محیط ورزش!



نویسنده: مصطفی امیرکبایی

شده‌اند به همان کسانی پشت کرده‌اند، و یا ضربه زده‌اند که عامل جهش ایشان بوده‌اند.

به عنوان مثال، همین آقای مایلی کهن و امثال او افراد گمنامی بوده‌اند که به برکت وجود خبرنگاران مطبوعات و گزارشگران رادیو و تلویزیون به شهرت و نامداری و مال و منال رسیده‌اند، اما حالا به جای قدردانی از حامیان دیروز خود به روی آنها دست بلند می‌کنند، دوربین‌های ایشان را می‌شکنند و به آنها بی‌حرمتی می‌کنند.

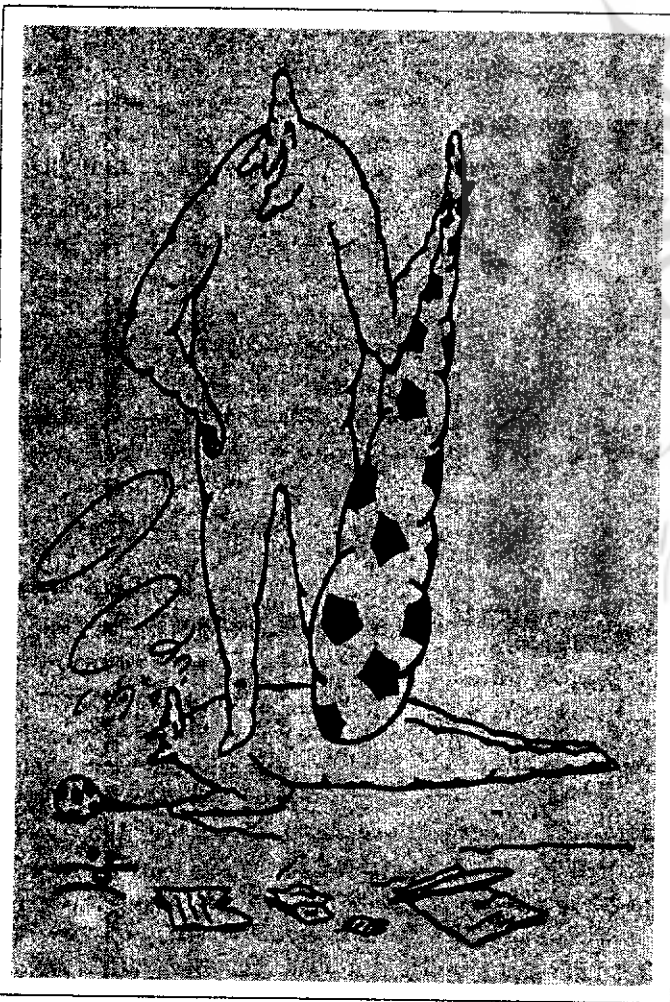
این رفتارهای تأسف‌آور را نباید امور استثنایی تلقی کرد، زیرا بواقع این نوع رفتار ناهنجار در برخی عرصه‌های اجتماعی ما، بویژه در ورزش، به صورت یک هنجار درآمد،

و پذیرفته هم شده است. در همین زمینه، یعنی ورزش، ما تظاهر عمومی ناهنجاریها را هنگام برگزاری مسابقات فوتبال مشاهده می‌کنیم. داستان «قرمزته» و «آبپته» چنان جایگاه با استتک‌گامی در جامعه ما پیدا کرده که گویی ورزش فوتبال بدون آن قابل دوام نیست. این ناهنجاری زمانی به اوج می‌رسد که بین دو تیم استقلال و پیروزی مسابقه‌ای برگزار می‌شود. در چنین مواقعی نثار و رکبک‌ترین الفاظ و شنیع‌ترین فحش‌ها در استادیوم آزادی چون نقل و نبات رواج می‌یابد و

آقای «محمد مایلی کهن» که لقب «مربی» آنهاست مربی تیم ملی فوتبال کشورمان را پدک می‌کشد، در محیط ورزشی، در زمین فوتبال، آنجا که باید عرصه بسوز فضایل و سجایای اخلاقی، آزادمردی، جوانمردی و آزادگی باشد، برگونه خبرنگاران و عکاسان دو روزنامه صبح تهران سیلی می‌زند. به آنها حمله می‌کند. با مشت و لگد به جانانشان می‌افتد. هرزه دری و هتاکی می‌کند و حرف‌هایی می‌زند که شنیدنش را باید از ورزشکار نماهانی چون شعبان جعفری معروف انتظار داشت. فیلم‌ها را با خشم و کین از دوربین‌ها بیرون می‌کشد و وسایل کار عکاسان را به زمین می‌کوبد. این رفتار فردی است که در رأس تیم فوتبال کشورمان قرار دارد، فردی که باید سمبل اخلاق و رفتار حسنه برای سایرین باشد. او «مربی» است و این کلمه بخودی خود بار ارزشی ویژه‌ای دارد. معمولاً کسی را به عنوان «مربی» انتخاب می‌کنند که علاوه بر داشتن تخصص علمی و فنی از لحاظ اخلاق نیز سرآمد همگان باشد. در محیط‌های ورزشی یک مربی علاوه بر داشتن تجربه، استادی و شایستگی، باید بالاترین درجه از سعه صدر، گذشت، رفتار انسانی، افتادگی، و احترام به پیشکسوتان و نگاه داشتن حرمت همکاران را دارا باشد.

اکنون که جامعه آماده می‌شود از ناهنجاری‌های اجتماعی - از هر نوعش - فاصله بگیرد دیگر نمی‌تواند پذیرای کسانی باشد که با پدک کشیدن عناوینی چون مدیر، مربی و مسئول رفتاری ضد ارزشی داشته باشند. اگر در مورد این قبیل افراد با دقتی توأم با وسواس تحقیق کنیم به این نتیجه می‌رسیم آنها غالباً از رهگذر لطف و کمک دیگران و نیز مردم عادی مدارج ترقی را طی کرده‌اند، اما به محض آنکه مصدر مقام و قدرت

ترکاندن ترقه‌هایی به قدرت یک نارنجک چاشنی مسابقه می‌شود! اگر رابطه علت و معلولی این روحيات را مد نظر قرار دهیم یکی از این دو نتیجه عاید می‌شود: ۱- فرهنگ حاضرین در مسابقات فوتبال بر روحیه مربیان تیم‌ها اثر گذاشته و آنها را افرادی پرخاشجو و فحاش کرده است، یا ۲- منش و رفتار مربیانی که خبرنگار را کتک می‌زنند و دوربین را می‌شکنند گروهی از ورزش دوستان ما را به چنان جایگاهی تنزل داده که در یک مکان ورزشی که قداست ویژه‌ای دارد، مرتکب رفتاری ناشایست می‌شوند و کلمات زشت بر زبان می‌آورند. اما، البته از آنجا که این مربیان هستند که سرمشق دیگران قرار



می‌گیرند. باید گفت در موضوع مورد بحث ما، شق دوم مصداق دارد. ما فرض را بر این می‌گیریم که تیم ملی فوتبال کشورمان به مربی‌گری همین آقای مسایلی کهن در آینده به پیروزی‌های درخشانی نیز دست یابد. اما می‌آرد که به بس‌های چنین پیروزی‌هایی اخلاق و سجایای قهرمانی و ورزشکاری را نادیده بگیریم و این مشخصه‌های عالی را فدای پیروزی‌های زودگذر کنیم؟

علی دایی حرفی از سر دلسوزی بر زبان راند، مربی تیم ملی برآشفست و خبرنگاران مورد مرحمت قرار گرفتند!

سکوت مقامات مسئول

به نظر می‌رسد مایلی کهن صرف‌نظر از آنکه یک فوتبالیست صاحب تکنیک بوده و احیاناً خدماتی هم به ورزش فوتبال کرده است، اندازه‌های لازم را به لحاظ تفکر و اندیشه برای مربی‌گری تیم ملی ندارد. وی ظرفیتهای درونی خود را ناخواسته در خصوص مسأله علی دایی، بروز داد و علنی کرد. علی دایی بازیکن برجسته تیم ملی فوتبال ایران که اکنون برای باشگاه‌های خارجی توپ می‌زند، زمانی چند کلمه‌ای از باب گله در مورد نحوه مدیریت و مربی‌گری تیم ملی بر زبان می‌آورد، اما بعداً کراً

می‌گوید که از این گفته‌ها قصد بدی نداشته و هدفش ارائه پیشنهاد برای بهتر شدن کار تیم ملی فوتبال کشورمان بوده است.

اما مربی تیم ملی که باید الگوی شکیبایی و سعه صدر و فروتنی باشد، عرصه مطبوعات ورزشی کشور را صحنه ترکتازی خود می‌کند و در غیاب این بازیکن که در همین دو-سه سال اخیر افتخاراتی برای کشور کسب کرده است و اکنون به عنوان نماینده فوتبال ملت بزرگ ایران در تیم‌های خارجی توپ می‌زند، هر چه به زبانش می‌آید می‌گوید. مداوماً توپ و تشر می‌زند و تهدید می‌کند که اگر اعضای تیم ملی چنین و چنان

کنند، به فلان عقوبت دچار خواهند شد! موضوع حیرت انگیز آنکه مسئولان درجه اول فدراسیون فوتبال و دیگر مقامات ذریعۀ، هیچکدام در ماجرا دخالت نمی‌کنند تا به این فرد بقبولانند شأن مربی تیم ملی فوتبال در چه حد است، یا به او یادآور شوند که علی دایی عضو برجسته تیم ملی فوتبال ایران است. او فوتبالیستی است که آوازه و شهرت جهانی دارد. فیفا او را به رسمیت شناخته و یک تیم نامدار اروپایی از او دعوت به همکاری کرده. پس

علی دایی نماینده فوتبال ایران است. باید در چارچوب مرزهای کشورمان از او حمایت کنیم. اگر تعریفش را نمی‌کنیم دستکم تحقیرش نکنیم.

عجیب است که هیچ مقام مسئولی به این مهم توجه نکرد و نکرد تا کار به جایی رسید که خبرنگاران ورزشی روزنامه‌های اخبار و همشهری طاقت از کف دادند و از باب دفاع از حیثیت جامعه ورزشی در زمین فوتبال و در برابر دیدگان دهها بازیکن و تماشاگر، این نکته را به مایلی کهن گوشزد کردند، اما وی عصبانی شد و اعمال و رفتاری کرد که نباید می‌کرد. (بعد از این حادثه بود که مسئولان به فکر چاره‌جویی افتادند و



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
قرارگاه اسناد و کتابخانه ملی
سپاکام

سپاکام

مخابرات

الکترونیک

کامپیوتر

*** آموزش**

*** تأمین اقلام از داخل و خارج**

*** مشاوره فنی و بازرگانی**

*** پشتیبانی فنی**

*** تعمیر و نگهداری**

*** راه‌اندازی**

*** نصب**

دفاتر نمایندگی در استانهای:

شعبه خراسان: ۰۵۱-۸۲۸۰۳۵ شعبه خوزستان: ۰۶۱-۳۳۹۰۱۵

شعبه اصفهان: ۰۶۱۵۶۲۰-۰۳۱

دفتر مرکزی:

تهران، میرداماد غربی، تقاطع آفریقا، پلاک ۲۷۸

تلفن: ۰۳-۸۷۷۶۵۶۱، فاکس: ۸۷۷۶۵۶۱

سرانجام روز ۱۲ شهریور رئیس فدراسیون گفت: مشکل علی دایی با همکاری و نظر مساعد محمد مایلی کهن سرمربی تیم ملی حل شد و وی به اردوی تیم ملی ایران دعوت شد. ظاهراً در این قبیل موارد باید روزنامه‌نگاران کتک بخورند و توهین بشوند تا مسئولان و ادار به تفکر و چاره‌جویی شوند!

نکته گفتنی این که رفتار مایلی کهن با خبرنگاران، پدیده نوظهور و تازه‌ای نیست. نظیر این ماجرا بارها اتفاق افتاده است و ما شاهد بوده‌ایم که روزنامه‌نگاران مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند و هیچ مرجع رسمی هم به حمایت از آنها برنخاسته است، بنابراین در آینده نیز چنین برخوردهایی را شاهد خواهیم بود.

اما بالاخره کسی یا کسانی باید به این گونه ناهنجاری‌های اجتماعی پایان دهند. وقتی چنین رفتاری رخ می‌دهد و روزنامه‌نگاران مورد توهین قرار می‌گیرند، کدام مرجع رسمی باید برای حفظ حرمت اهل قلم اقدام کند؟ کدام نهاد مدنی در شرایط کنونی می‌تواند در این گونه حوادث به روزنامه‌نگاری برای استیفای حقوق ضایع شده‌اش کمک کند؟

اینجاست که جای خالی یک نهاد صنفی نظیر سندیکای نویسندگان و خبرنگاران یا انجمن و یا خانه روزنامه‌نگاران احساس می‌شود.

شروع جنگ تجاوزکارانه صدام علیه کشورمان موجب شد تجدید انتخابات هیأت مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران به دلیل شرایط دوران جنگ که تشکیل اجتماعات را منع می‌کرد، امکان‌پذیر نشود و این سندیکا به حالت تعلیق درآید. بعداً هم هیچ مرجعی برای حمایت از حقوق نویسندگان و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و عکاسان تشکیل نشده است.^(۱)

آن‌گسروه از پیشکوتان مطبوعات و روزنامه‌نگاران قدیمی و اعضای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران هم که برای فعال کردن سندیکا یا هر نهاد دیگر در جهت حمایت از حقوق روزنامه‌نگاران اقدام کرده‌اند، حرفشان به جایی نرسیده و این نقصان و کمبود سالهاست جامعه مطبوعاتی ما را رنج می‌دهد. شاید یکی از عللی که سبب می‌شود آن سینما گر تازه به دوران رسیده یا آن مربی پرخاشجوی فوتبال بسخود اجازه دهند که با نمایندگان مطبوعات چنان رفتاری داشته باشند، فقدان یک ملجاء مطمئن و قانونی برای رسیدگی به امور مطبوعات است و دیگر عامل، بی‌توجهی مسئولان مربوطه است. اگر آن روز که آن سینما گر و آن مربی فوتبال و یا آن هنرپیشه تازه کار، چنان اعمالی را مرتکب شدند، فردی از مسئولان

مربوطه، دستور رسیدگی فوری می‌داد و درباره حفظ حرمت و حریم مطبوعات و روزنامه‌نگاران سخنی می‌گفت، دیگر کسی بخود اجازه نمی‌داد که به حریم مطبوعات تجاوز کند. اگر به روزنامه‌نگاران جوان اجازه داده می‌شد که با استفاده از تجربیات ارزشمند پیشکوتان، مرکزیتی برای خود بوجود آورند، امروز مایلی کهن‌ها و هنرپیشه‌ها و دربان‌ها و نگهبان‌ها، اجازه نمی‌یافتند نسبت به روزنامه‌نگاران بی‌مهری ورزند و نه فقط حرمت حرفه‌ای، بلکه حرمت انسانی آنها را هم نادیده بگیرند.

۱- ماهنامه: مطبوعات فاقد شکل هم نبینند! یک تعاونی مطبوعات داریم که با جدیت سرگرم تهیه فیلم و زینک و کاغذ برای بعضی از مدیران مطبوعات است و اخیراً هم آنها را به تماشای مراسم گلابگیری برد. سال گذشته هم جانی خواندیم که یک شکل فراگیر مطبوعاتی تشکیل شده و برای قانونمند کردن رفتار دیگران با مطبوعات و مطبوعاتی‌ها برنامه‌های وسیعی اجرا خواهد کرد. فی‌الوقت خبر تشکیل قریب‌الوقوع یک شکل موازی هم منتشر شد هم اینک، یعنی در شرایطی که مجله آماده چاپ می‌شود، شایعه‌ای را شنیده‌ایم مبنی بر اینکه یکی از آن دو شکل سرانجام تصمیم گرفته که اعلامیه‌ای بدهد و اعلام وجودی بکند، معنای به نویسنده محترم این مقاله توصیه می‌کنیم دندان روی جگر بگذارند! دفاع از حقوق مطبوعاتی‌ها که همین طور کتک‌های عملی نیست، باید هفت - هشت سالی برنامه‌ریزی کرد تا مسامحات تهیه برنامه کار دفاع از حقوق نویسنده و خبرنگار فراهم شود!

تابنده مهر

TABANDEH MEHR

شماره ثبت: ۹۶۰۰



موسسه تابنده مهر مبتکر فاکس مترجم ۲ ساعته (2 Hours Fax - Translator) در ایران

متون بازرگانی خود را از طریق فاکس برای ما ارسال دارید و ظرف مدت ۲ ساعت متن ترجمه و

تایپ شده آن را روی میز خود ملاحظه نمایید. همکاری با ما صرفه جویی در وقت و هزینه شماست.

جهت کسب اطلاع بیشتر

با صندوق پستی ۶۹۸۱ - ۱۹۳۹۵ یا تلفکس ۲۲۱۵۵۸۸

تماس حاصل فرمائید.